

چکیده

پارادوکس یا متناقض‌نمایی یا تناقض، آرایه ادبی شناخته‌ای است که نخستین بار استاد شفیع کدکنی در کتاب «شاعر آینه‌ها» از آن یاد کرده است. ما در این مقاله به روش تحلیلی و تحقیقی، به معانی لغوی این آرایه ادبی، نام‌های دیگر، پیشینه و تفاوت آن با آرایه تضاد (طباق) پرداخته‌ایم. انواع پارادوکس را از نظر ساختاری بررسی و نمونه‌های این آرایه را در ادبیات فارسی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی جمع‌آوری کرده‌ایم. در پایان، برای تفهیم و یادگیری بیشتر این آرایه ادبی به ذکر نمونه‌هایی از آن در دیگر آثار ادبی پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها:

پارادوکس، تناقض، متناقض‌نمایی، تضاد، آرایه ادبی.

عبدالرزاق امیری

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های شیراز

«... اصطلاحی که من ساخته‌ام، [تصویرهای پارادوکسی] نه در ادبیات قدیم خودمان وجود داشته است (یعنی کتب بلاغی) و نه در ادبیات فرنگی تا آنجا که من جست‌وجو کرده‌ام...»
عبدالکریم سروش در مقاله «تعمیم صنعت طباق با استفاده از عکس و نقض و عدم تقارن در شعر سعدی» (۱۳۶۴ ه. ش) از پارادوکس در شعر سعدی سخن به میان آورده است.
محمد راستگو نیز در مقاله «خلاف آمد در شعر فارسی» در سال ۱۳۶۸ در مجله کیهان فرهنگی (سال ششم، شماره نهم) به گستردگی از این آرایه ادبی سخن گفته است. (وی در کتاب «هنر سخن‌آرایی، فن بدیع» نیز از این آرایه ادبی نام برده و آن را به اختصار توضیح داده است.
اما نخستین شاعری که از این آرایه ادبی استفاده کرده، استاد شاعران و نخستین شاعر بزرگ زبان فارسی، رودکی است. وی



پیشینه بحث پارادوکس یا متناقض‌نمایی

درباره پارادوکس یا متناقض‌نمایی تا بیست‌وسه سال پیش، هیچ مقاله یا کتابی چاپ و تألیف نشده بود. در زبان فارسی در کتب بلاغی قدما از این آرایه ادبی سخنی به میان نیامده است؛ در حالی که در کتب بلاغت غربیان از دیرباز بحث‌های مفصلی در این زمینه مطرح بوده است و معاصران در اثر آشنایی با مبحث «متناقض‌نمایی» در کتب بلاغت غربیان، آن را در زبان فارسی مطرح کرده‌اند. روزبهان بقلی شیرازی در کتاب «شرح شطحیات» (تألیف ۵۷۰ ه. ق) بسیاری از سخنان متناقض‌نمای عرفا را با تکیه بر مبانی دینی، به خصوص قرآن و حدیث، تفسیر و تأویل کرده اما از «متناقض‌نمایی» سخن نگفته است. نخستین بار، متناقض‌نمایی در بلاغت فارسی را استاد شفیع کدکنی در کتاب «شاعر آینه‌ها» مطرح کرد. این کتاب که تاریخ مقدمه آن سال ۱۳۶۲ ه. ش است، در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. شفیع کدکنی در این کتاب، ضمن بحث از ویژگی‌های شعر «بیدل»، «تصویرهای پارادوکسی» را یکی از ویژگی‌های سبکی او معرفی می‌کند و چنین می‌نویسد.

چیستانی درباره «قلم» دارد که در بیت اول آن چهار بار و هر بار در نهایت زیبایی و استادی از آرایه پارادوکس استفاده کرده و این روش او در ادبیات فارسی بی‌سابقه است.
لنگ دهنده است، گوش نی و سخن یاب
گنگ فصیح است، چشم نی و جهان بین
تیزی شمشیر دارد و روش مار
کالبد عاشقان و گونه غمگین
(دیوان اشعار رودکی، ۱۰۷)

معانی گوناگون پارادوکس

متناقض‌نما یا پارادوکس (paradox) و در (paradoxum) است که منشأ آن هم واژه‌های یونانی (paradoxon) است و مرکب از (para) به معنی «مقابل» یا «متناقض با» و (Doxa) به معنی عقیده در نظر (فرهنگ «وبستر»: ۱۰۲۹).
در همین فرهنگ برای پارادوکس این معانی ذکر شده است:
۱. عبارتی که در تناقض با عقیده عموم باشد.
۲. عبارتی که متناقض، باورنکردنی یا پوچ به نظر می‌رسد، اما ممکن است در واقع درست باشد.

نخستین شاعری که از
این آرایه ادبی استفاده
کرده، استاد شاعران و
نخستین شاعر بزرگ
زبان فارسی، رودکی
است. وی چيستانی
در باره «قلم» دارد که
در بیت اول آن چهار
بار و هر بار در نهایت
زیبایی و استنادی
از آرایه پارادوکس
استفاده کرده و این
روش او در ادبیات
فارسی بی سلبانه است

به یک جو نمی‌رود، آشتی دهد، برآمیزد، انباز سازد و دمساز نماید. به دیگر سخن، چیزی بگوید وارونه و خلاف آنچه می‌شناسیم و پذیرفته‌ایم و بدان خو کرده‌ایم. مثلاً آنچه ما درباره دم عیسوی می‌دانیم و می‌شناسیم و پذیرفته‌ایم، درمانگری، شفادهی و زندگی‌بخشی است اما آنگاه که از زبان حافظ می‌شنویم:

این قصه عجب شنو از بخت واژگون
ما را بکشت یار به انفاس عیسوی

جا می‌خوریم و شگفت‌زده می‌مانیم؛ زیرا از او چیزی شنیده‌ایم درست وارونه آنچه می‌شناختیم و بدان خو کرده بودیم. چیزی که هرگز انتظار شنیدنش را نداشتیم - کشته شدن با نفس عیسوی - دو چیزی که تاکنون آن‌ها را ناساز و متضاد می‌پنداشتیم و اینک

۳. عبارتی که واقعاً با خود متناقض و از این رو غلط است.
۴. شخص، موقعیت، عمل و جز این‌ها که به نظر می‌رسد ویژگی‌های متناقض یا ناسازگاری دارد. در فرهنگ بیست جلدی «آکسفورد» (ص ۱۸۵) معانی مختلفی برای متناقض‌نما ذکر شده است که مهم‌ترین آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱. در منطق، عبارت یا قضیه‌ای است که از یک مقدمه قابل قبول تشکیل شود و به‌رغم آن که عقلانی به نظر می‌رسد، به نتیجه‌ای نادرست و منطقاً غیرقابل قبول با خود منجر می‌شود.
۲. غالباً متناقض‌نما برای قضیه یا بیانی به کار می‌رود که عملاً در تناقض با عقل و حقیقت محقق و بنابراین اساساً مهمل و کاذب است.
۳. در نقد ادبی، بیان یا قضیه‌ای است که به ظاهر متناقض با خود، نامعقول و مخالف با فهم عمومی است؛ هر چند وقتی که خوب بررسی یا توضیح داده شود، ممکن است اساس درستی داشته باشد.



آشتی و سازش آن‌ها را می‌بینم. همین، یعنی رویارویی با چیزی تازه و بی‌سابقه، چیزی خلاف انتظار، چیزی خلاف عرف و عادت زمینه می‌شود تا به شگفتی و شگفتی‌افزایی. باری، این شیوه شیرین را از این روی «خلاف آمد» و «خلاف آورد» می‌نامیم که با یکی از باورها و پذیرفته‌های عرفی، عقلی، شرعی و ... ما در خلاف و ناسازی است و از این روی «ستیز آمیزی» می‌گوییم که دو چیز ناساز و هم‌ستیز را با هم می‌آمیزد و آشتی می‌دهد (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۰۴، ۲۰۵).

برای مثال، وقتی «سعدی» آن «غایب حاضر» می‌فرماید:

هرگز حدیث حاضر غایب شنیده‌ای

من در میان جمع و دلم جای دگر است

هیچ فردی نمی‌تواند هم حاضر باشد و هم غایب اما وقتی آن را تفسیر می‌کنیم، یعنی او جسماً حاضر است ولی فکر و ذکرش جای دیگری است؛ بنابراین، حاضر غایب است و همین عنوانی که این حقیر برای سعدی به کار برده «غایب حاضر» هم پارادوکس است؛ یعنی، جسم «سعدی» در بین ما نیست اما نام و شهرت و آوازه او در بین ماست و همیشه هم خواهد بود.

دنباله مطلب در وبگاه نشریه

۴. در بلاغت، سخنی است که متناقض با خود و نامعقول به نظر می‌رسد اما می‌توان آن را از طریق تفسیر یا تأویل، به سخن دارای معنی با ارزش تبدیل کرد.

تعریف پارادوکس یا متناقض‌نمایی در اصطلاح ادبی (بدیع)

نقیض هر حکمی، نفی آن است؛ برای مثال، نقیض گزاره «هوا سرد است» چنین است: «هوا سرد نیست». هیچ علمی دو گزاره متناقض را با هم نمی‌پذیرد. ادبیات نیز مانند دیگر علوم، دو قضیه متناقض را نمی‌پذیرد اما گاهی شاعران و نویسندگان دو صفت متناقض را چنان با هنرمندی و هوشمندی در ترکیب سخن خویش به کار می‌برند که [اما] آن سخن را با لذت بسیار می‌پذیریم؛

لذتی که توأم با تفکر و تلاش ذهنی است و از این روی در خاطر پایدارتر می‌ماند (شرق‌الدین، ۱۳۸۱: ۴۱). شاید بهترین شرح و توضیح پارادوکس از محمد راستگو باشد: «پارادوکس، که ما آن را «خلاف آمد»، «خلاف آورد» و «ستیز آمیزی» می‌نامیم، آن چنان است که سخنور پدیده‌هایی را که در ستیزند و با هم نمی‌آمیزند و آبشان